

صفحات ۱۷۶ - ۱۵۹

قتل در فراش: مهدورالدم دانستن زانی و زانیه. مصداق بارز خشونت خانگی با نگرشی بر فقه و اخلاق

۱ محدثه صادقیان لمراسکی

۲ کیومرث کلانتری

۳ ایرج گلدوزیان

چکیده

خشونت خانگی معلول زنجیره‌ای است از عوامل پیچیده که البته در این میان فقدان جرم‌انگاری، عدم دیدگاه صریح قانون و سکوت قانونگذار در برخی از موارد، خود به گسترش آن کمک می‌نماید. اما از موارد بارزی که قانونگذار، با جواز خود بر انجام عمل مجرمانه، محیط امن خانه را به مکانی برای کینه و خشونت ورزی مبدل کرده است، ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) است که با عنوان جواز قتل در فراش مطرح می‌باشد، علی‌رغم انتقادات فراوان صورت گرفته، قانونگذار در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجدداً آورده است که از مصادیق بارز خشونت خانگی علیه زنان به شمار می‌آید.

قانونگذار باید تمامی تلاش خود را در جهت حذف مواد قانونی انجام دهد که خود می‌توانند زمینه‌ساز جرم‌زایی باشند و بر میزان جواز عدالت دادگستری خصوصی و انتقام‌جویی‌های شخصی و خشونت‌های خانگی بیفزایند. مقاله به روش توصیفی تحلیلی و شیوه اسناد کتابخانه‌ای شکل یافته است.

واژگان کلیدی

قتل، مهدورالدم، زانی و زانیه، خشونت، خشونت خانگی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Email: mohaddeseh.sadeghian@gmail.com

۲. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: kalantar@nit.ac.ir

۳. استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Email: e.golduziyan@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۱

طرح مسأله

فرضیه‌ی اصلی این مقاله که نگارندگان در صدد کشف و تبیین آن هستند این می‌باشد که قتل در فراش به جهت مهدورالدم دانستن زانی و زانیه، مصداق بارز خشونت خانگی با نگرشی بر فقه و اخلاق است.

در طول قرون گذشته همواره اندیشمندان، نظریه‌های متفاوتی را در ریشه‌یابی و کشف علل و عوامل خشونت خانگی و خشونت علیه زنان به طور خاص، بیان کرده‌اند. عده‌ای علل ایجاد خشونت در خانواده را به عوامل محیطی نسبت داده‌اند و جامعه را مقصر دانسته‌اند. عده‌ای دیگر پیشینه کودکی را در فرد خشونت‌گرا دخیل دانسته‌اند. اما آنچه روشن و مسلم است آن است که به کارگیری هر یک از نظریه‌ها، به تنهایی کاری عبث و بیهوده است و بسط دادن یک نظریه به تمامی مصداق‌های خشونت، از خرد به دور است.

قتل‌های ناموسی پدیده‌ای است که مختص به یک یا چند کشور خاص یا چند آیین و مذهب خاص نیست؛ با این حال قتل‌های ناموسی اغلب در کشورهای با اکثریت مسلمان اتفاق می‌افتند. در کنار سایر عوامل تاثیرگذار بر وقوع قتل‌های ناموسی، قوانین کیفری یک جامعه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر میزان آنها در جامعه داشته باشند. نوع و میزان مجازات تعیینی برای مرتکبان قتل‌های ناموسی، استفاده از معاذیر مخففه در صورت ارتکاب این نوع قتل‌ها، میزان اطلاع افراد جامعه از این‌گونه تخفیف‌های قانونی و عفو مرتکب از سوی اولیاء دم که در قتل‌های ناموسی رواج گسترده‌ای دارد، از مهمترین تأثیرات قوانین کیفری در افزایش میزان وقوع قتل‌های ناموسی در جامعه ایرانی است که توجه جدی به این مسائل تأثیری چشمگیر در زمینه کاهش قتل‌های ناموسی را در پی خواهد داشت. تحقیقات بازننگری مجدد در این احکام و مقررات قانونی در کشور ما می‌تواند تأثیر فراوانی در بهبود نحوه‌ی برخورد و مواجهه با قتل‌های ناموسی و مرتکبان آنها داشته باشد. بدون تردید با توجه به سبقه شرعی قوانین ما، این بازننگری باید مبتنی بر مبانی فقهی و منابع شرعی باشد و هر تغییری بدون عنایت به این مبانی مطمئناً با شکست مواجه خواهد شد. از سوی دیگر در منابع فقهی نیز ظرفیت لازم برای اعمال تغییر در متون قانونی در بحث مواد قانونی تأثیرگذار در بحث قتل‌های ناموسی وجود دارد با این حال قانونگذار علی‌رغم همه انتقادات مجدداً آن را در ماده ۳۰۲ به عنوان یکی از مصادیق مهدورالدم بودن زانی و زانیه با موضوع جواز قتل در فراش برای شوهر مطرح کرده است که می‌تواند از مصادیق بارز خشونت خانگی به حساب آید.

شاید بتوان گفت ماده ۶۳۰ کتاب پنجم «تعزیرات» قانون مجازات اسلامی که معروف به قتل در فراش است جنجال برانگیزترین ماده قانونی در رابطه با قتل‌های ناموسی است. قانونگذار در این ماده، قتل مرد اجنبی را در حال ارتکاب زنا با زن شوهردار و همچنین قتل زن را

در صورت تمکین به این عمل از سوی شوهر مجاز دانسته و به او اجازه داده که به قتل یا ضرب و جرح آنان اقدام نماید و طبعاً عمل او از نظر قانونگذار مجاز شمرده می‌شود. (مه‌ریور، ۱۳۷۵، ۱۷۳)

آنچه در این مقاله مورد توجه نگارندگان قرار گرفته است، یکی از مصادیق بارز خشونت خانگی، مساله جواز قتل در فراش؛ مهدور الدم دانستن زانی و زانیه است که از مصادیق بارز خشونت خانگی است و در این مقاله سعی بر این است تا از این منظر مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

پژوهش حاضر، بر اساس توصیفی تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای انجام گرفته، بدین صورت که جواز قانونگذار در صدور برخی مواد که خود زمینه‌ساز ایجاد خشونت خانگی علیه زنان است مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

در این مقاله تلاش بر آن است که در ابتدا به تعریف خشونت و نظریه‌های پیرامون آن و سپس به علل و عوامل زمینه‌ساز این معضل بپردازد و سپس مواد ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را که از مصادیق بارز خشونت خانگی و موضوع اصلی پژوهش حاضر نگارندگان است را مورد بررسی قرار دهد و در پایان راهکارها و پیشنهادات موثر را در جهت کاهش عواملی که زمینه‌ساز ایجاد خشونت علیه زنان می‌شود را ارائه دهد.

مفاهیم

خشونت در زبان فارسی با کلماتی همچون درشتی، زبری، تندخویی، درشت‌خویی و درشتی کردن مترادف شده است. (عمید، ۱۳۷۴، ۸۳۶؛ معین، ۱۳۷۱، ۱۴۲۵)

تعاریف اصطلاحی موجود از خشونت، هر کدام نقایصی دارند که نظریه‌پردازان، خود به آن‌ها معترف‌اند. اما باید در نظر گرفت که ارائه تعریفی از خشونت، که در برگیرنده کلیه رفتارهای خشونت‌آمیز (فیزیکی، روانی، اجتماعی، جنسی و) باشد، تا حدودی مشکل است.

اولین تعریف خشونت، از گلز و استراوس می‌باشد، از دید این دو محقق، خشونت رفتاری با قصد و نیت آشکار (یا رفتاری با قصد و نیت پنهان، اما قابل درک) برای وارد کردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر است. (اعزاز، ۱۳۸۰، ۲۴) همچنین خشونت خانگی به خشونت میان اعضای خانواده یا اعضاء یک خانوار اطلاق می‌شود. در این نوع از خشونت یکی از اشخاص، از طریق اعمال زور جسمی یا فشار عاطفی، قدرتی به دست می‌آورد و هر یک از اعضای خانواده ممکن است در معرض این اعمال قدرت قرار گیرند؛ اما بیشتر مواقع زنان طعم این خشونت‌ها را می‌چشند. (مرتوس، ۱۳۸۲، ۲۲۶)

برخی از نظریات خشونت خانگی علیه زنان

الف) نظریه تضاد منافع: طبق این نظریه، ریشه‌های خشونت در تضاد منافع است. طبق تعریف «وبر» از قدرت، می‌توان گفت، در خانواده‌هایی که مرد، قدرت کافی برای تابع نمودن دیگری ندارد ولی می‌خواهد سلطه خود را اعمال کند، تضاد و درگیری بیشتری وجود دارد. (مولاوردی، ۱۳۸۵، ۴۱)

ب) نظریه یادگیری اجتماعی: این نظریه که آلبرت باندورا آن را از طریق بررسی و آزمایش‌های دقیق و مشخص به خصوص در مورد کودکان در زمینه اشکال ضعیف پرخاشگری مشخص کرد، بر روند فراگیری و یادگیری خشونت از طریق مشاهده و تقلید تأکید می‌ورزد. باندورا ادعا می‌کند که رفتار مورد مشاهده یا رفتار تجربه شده، از نظر شناخت مورد بررسی قرار می‌گیرد. (ولد ۱۳۸۷، ۲۶۶-۲۷۲)

ج) نظریه اقتدار و سلطه: برای توضیح خشونت‌هایی که زنان در معرض آن قرار دارند، سه دیدگاه عمده وجود داشته که دو دیدگاه نخست در چارچوب جهان‌بینی مرد محور جای دارد و دیدگاه سوم (ازسوی فمینیست‌ها) به صورت نقدی بر نظریه‌های مرد محور و به منزله رویکردی جایگزین ارائه شده است.

نظریات دیگر نظیر نظریه مبادله، نظارت اجتماعی و ... نیز وجود دارند که جهت اطاله کلام از توضیح آنان خودداری می‌شود اما آنچه در این نظریات روشن می‌شود آن است که اکثر آنان با محوریت موضوع واحدی علل خاصی را به تنهایی از عوامل بروز خشونت علیه زنان می‌پندارند اما آنچه که باید اذعان داشت آن است که مجموعه‌ای از عوامل متعدد با یکدیگر می‌توانند زمینه‌ساز وقوع خشونت باشند.

عوامل خشونت خانگی با محوریت علیه زنان

از آنجا که اعمال عمل خشونت‌آمیز نوعی بیماری اجتماعی است و پدیده‌ای است، نشأت گرفته از برخوردهای انسانی، پس در قالب مطالعات علمی جرم‌شناسی قابلیت ریشه‌یابی دارد و از این طریق می‌توان علت خشونت خانگی علیه زنان را به طور خاص در ابتدا کشف نمود. در این مبحث در جهت شناخت علل و عوامل خشونت خانگی با موضوعیت پژوهش مورد نظر، در ابتدا لازم است پیرامون عوامل خشونت خانگی با محوریت علیه زنان پرداخته شود تا بتوانیم پس از آن از مصادیق بارز خشونت خانگی که موضوع قتل در فراش؛ مهدورالدم دانستن زانی و زانیه است بپردازیم که قانونگذار نیز به صراحت در مواد قانونی که در مباحث آتی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، جواز آن را به شوهر داده است.

الف) عوامل جسمی

لومبروزو تحت تأثیر نظریه «داروین و تکامل زیستی» رفتار ضداجتماعی را مرتبط به

ساختار جسمی مرتکب و آن را نتیجه بازگشت آدمی به مراحل پست‌تر زیستی دانست، او با چنین جبرگرایی زیستی، علت جرم را در چگونگی ساختار بدنی اندازهٔ مجمله، ساخت دندان‌ها،... بیان کرد و بر عقیده خود پافشاری می‌نمود. (دانش، ۱۳۸۲، ۸۷ و ۸۸) «سلدون» مردم‌شناس آمریکایی نیز با تأکید بر ظاهر جسمانی، اشخاص دارای تیپ موزومورفیک را که عضلانی، با انرژی و فعال هستند، بیش از سایرین دارای رفتارهای خشن معرفی می‌کرد. (پوت واین، ۱۳۸۳، ۴۸)

ب) عوامل روحی و روانی

در این قسمت، به دو اختلال روانی مهم که مؤثر در پدیده خشونت علیه زنانند می‌پردازیم: روان‌نژند: روان‌نژندها، کسانی‌اند که از بیماری‌های خفیف روانی رنج می‌برند، چنین اختلال روانی که مخصوصاً در میان مردان جوامع صنعتی و شهرنشین مشاهده می‌گردد، دارای نشانه‌هایی چون اضطراب، وسواس، افسردگی و هیستری بوده و به خصوص شخص بیمار در حالت افسردگی از خود، خشونت، حالت‌های عصبی و بی‌قراری را نیز نشان می‌دهد. (دانش، ۱۳۸۲، ۱۶۵-۱۷۰)

روان‌پریش: مردان بیش از زنان به جنون مبتلا می‌شوند و در هر سنی این امر، امکان وقوع دارد. حداکثر این سن ۴۶ سالگی است. خطرناک‌ترین انواع روان‌پریشی مردان که زنان را در معرض آسیب قرار می‌دهد عبارتند از: اسکیزوفرنی اختلال هذیانی و پارانویا. (همان، ص ۱۳۹)

ج) عوامل اقتصادی

مشکلات اقتصادی، نه تنها در تبیین پدیده‌ای چون خشونت، بلکه در بروز بیشتر آسیب‌های اجتماعی مؤثر است. بسیاری از زنان که بحث و مشاجره بر سر پول را دلیل ضرب و شتم خود از ناحیه شوهرانشان عنوان کرده بودند، بیکاری شوهر و دور ماندن از درآمد را مورد اشاره قرار می‌دادند. (روی، ۱۳۷۷، ۶۹)

د) عوامل اجتماعی

بعد از لومبروزو که عوامل جسمی را در علل وقوع پدیده مجرمانه دخیل می‌دانست، فری به عوامل اجتماعی توجه فراوانی کرده و علمی چون جامعه‌شناسی بنا نهاد. او محیط اجتماعی را به دو دسته تقسیم بندی کرد.

- محیط کلی که شامل همه اجتماع می‌شود و بر روی اجتماع و همه مردم تأثیر مشترک و کلی می‌گذارد.

- محیط شخصی که فقط فرد را دربر می‌گیرد و خود شامل محیط‌های گوناگون مثل محیط خانوادگی یا اجتناب‌ناپذیر و محیط اتفاقی و غیره می‌شود. (معظمی، ۱۳۸۲، ۱۲۹ و ۱۳۰)

در جامعه و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم، وقتی مردی صدایش را بلند می‌کند، در انتظار عمومی خشم خود را نشان می‌دهد، سرخ می‌شود و از کوره درمی‌رود، هیچ‌کس متعجب

نمی‌شود. فریادزدن مردها امری عادی شده است. (ایوانز، ۱۳۸۵، ۱۳۲)

رسانه‌ها: انتقال دائمی اطلاعات درباره جرائم و افعال خشونت‌آمیز و تماس پیاپی با خشونت ناشی از تولیدات رسانه‌ها و به ویژه برنامه‌های تلویزیونی، بدون تردید به بی‌احساسی و خونسردی در برابر عمل خشونت‌آمیز منجر شده است. به طوری که همدردی با قربانیان خشونت، دیگر هیچ جایگاهی نداشته و گرایش بینندگان را به سمت خشونت در پی دارد که این مسأله در اعمال خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه نیز بی‌تأثیر نیست. (اعزاز، ۱۳۸۰، ۵۸) در حقیقت مجاز شمردن و محق دانستن شوهر در جواز قتل در صورتی که همسرش (زانیه) و زانی را در حال زنا ببیند امری است که در اذهان مردم و عرف جامعه نیز با رسانه‌ها پررنگ‌تر شده است و عموم مردم طرفدار شوهر هستند و او را در جهت انجام این عمل (قتل در فراش) محق می‌دانند.

ه) عوامل فرهنگی

فرهنگ در لغت به مفهوم دانش، معرفت، و مجموعه آداب و رسوم و یا استعدادهای فکری و اخلاقی پرورش یافته به وسیله آموزش یا شکل یکپارچه‌ای از آگاهی و اعتقاد انسان یا باورهای سنتی، شکل‌های اجتماعی و ویژگی‌های مادی یک گروه نژادی، دینی یا اجتماعی به شمار می‌آید. (صدری افشار، ۱۳۶۹، ۴۹)

در این قسمت، عوامل فرهنگی، در سه زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرهنگ مردسالاری: الگوی اقتدار در خانواده‌ی ایرانی که مرد را در موقعیت برتر قرار داده موجب شده است اعضای خانواده ناموس او باشند. آبرو و ناموس مقوله‌های بسیار مهمی در خانواده‌ی ایرانی است که بازتاب اقتدار مردان است. اعضای خانواده به مرد تعلق دارند و حمایت او را به عنوان ضرورت طلب می‌کنند. در برابر این حمایت، مردان انتظار دارند اعضای خانواده از آنان اطاعت کنند و همانگونه باشند که آنها می‌خواهند. (ریاحی، ۱۳۶۷، ۱۶۷)

سنت‌ها و آداب و رسوم: رسم ختنه زنان یا FGM که در کشورهای آفریقایی بیشتر متداول است، رسمی است خطرناک که در آن، اندام‌های تناسلی دختران را به هم می‌دوزند یا می‌برند تا عفت و باروری و ظاهر مناسب زنانه آن محفوظ بماند. FGM فقط یک نمونه از آداب سنتی است که به دختران لطمه وارد می‌کند. (مرتوس، ۱۳۸۲، ۱۸۶)

مذهب و دین: اخیراً چنین شده است که هرکس که پرچم نفی خشونت را بر دست می‌گیرد، اسلام را جزء اولین متهمان این موضوع قرار می‌دهد. این دینی که از دیرباز تاکنون همیشه جز صلح و دوستی و آرامش و رفاه چیز دیگری را نوید نداده است. یکی از علل بسیار محکم و قانع‌کننده‌ای که دوستداران این دین آن را برشمرده‌اند، راه یافتن خرافه‌ها و عادات و رسوم کهنی است که همراه با واردشدن این دین آسمانی به کشورمان، به درون آن راه یافته است و آن عادات غلط و رسوم نادرست، با لباس اسلام به مردم عرضه می‌شوند.

و) عوامل خانوادگی

دوران کودکی ناخوشایند، اعتیاد پدر، اختلافات والدین، زیستن در خانواده‌ای پرتنش و خشونت‌زا، ازدواج‌های اجباری و ناخواسته، همه و همه می‌تواند، نقش بسزایی در ایجاد خشونت و شکل‌گیری خشونت خانگی علیه زنان از سوی همسرانشان داشته باشد. معضلات خانه‌پدري شامل خشونت، کودک‌آزاري (هدایت‌نیا، ۱۳۸۲، ۱۰۸)، اعتیاد، تبعیض میان فرزند دختر و پسر، کودک‌آزاري، اختلافات والدین (سلیمی اشکوری، ۱۳۷۹، ۴۹)، انحرافات جنسی و اخلاقی و فقدان والدین (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶، ۱۱۸) است.

ازدواج و مساله انتخاب همسر، یک مساله بسیار مهمی است، زیرا اگر به درستی صورت نگیرد، عدم تجانس فرهنگی و خانوادگی طرفین، اغلب اوقات، اسباب تنش‌های روحی و اختلافات خانوادگی را پیش می‌کشد که چه مرد و چه زن از آن مصون نخواهند بود. در نتیجه آن قتل‌های ناموسی خود را به خوبی نشان می‌دهد که در نتیجه زندگی‌های فرو پاشیده و خیانت‌ها رخ می‌دهد که قانونگذار ما نیز با جواز قتل در فراش و مهدورالدم دانستن زانی و زانیه که از مصادیق بارز خشونت خانگی تلقی می‌شود بر شدت بحرانی شدن این موضوع و افزایش جواز قتل‌های ناموسی افزوده است.

ز) عوامل قانونی

در ایران و شاید بسیاری از کشورهای توسعه یافته، علی‌رغم رشد روزافزون و انکارناپذیر دانش بشری، قوانین جدیدی در برابر خشونت‌های خاموش و پنهان خانگی وضع نشده است یا اگر هم اقدامی صورت گرفته، آن‌قدر کم‌رنگ بوده که خوب به چشم نیامده است. موضوع جواز ارتکاب قتل زانی و زانیه توسط همسر زانیه از موضوعاتی است که در قدیمی‌ترین تمدن‌ها نیز وجود داشته است. از نظر آشوری‌ها، قتل زن در حال زنا توسط شوهر به دلیل خیانت وی، حق مسلم مرد به شمار می‌رفت. در امپراطوری ژاپن اگر شوهری، همسر خود را در حال خیانت و ارتکاب زنا با مردی بیگانه مشاهده می‌کرد، می‌توانست هر دوی آنها را بی‌درنگ بکشد. در یونان باستان و در قرن پنجم، قصاص مستقیم در شرایط خاص مجاز بود و به همین دلیل اگر مردی مشاهده می‌کرد که بین زن یا مرد یا رفیقه یا همسر یا دخترش با مرد بیگانه رابطه نامشروع برقرار است، قتل آنها بر وی مجاز بود. در حقوق رم باستان علاوه بر شوهر به پدر نیز چنین حقی داده شده بود که اگر همسر یا دختر خود را در حالتی که با مرد بیگانه‌ای رابطه نامشروع برقرار کرده است، ببیند، اقدام به کشتن آنها کند. (حبیب زاده، ۱۳۸۰، ۹۳).

در ایران، نخستین متن قانونی در موضوع مورد بحث ماده‌ی ۱۷۹ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ است. به موجب این ماده شوهری را که زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله‌ی وجود در یک فراش است مشاهده کرده و مرتکب قتل یا جرح یا

ضرب یکی از آنها یا هر دو می‌شد از مجازات معاف می‌دانست، و در صورتی که مردی دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی می‌دید و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب می‌شد، تخفیف قابل توجهی را برای وی در نظر گرفته بود. این ماده از ماده‌ی ۳۲۴ قانون جزای فرانسه مصوب سال ۱۸۱۰، که مردی را که زن خود را در خانه‌ی مشترک زوجیت در حال زنا با مردی دیده و مرتکب قتل آنها می‌شد از معافیت قانونی بهره‌مند می‌کرد، اقتباس شده بود. این حکم در فرانسه در سال ۱۹۷۵ لغو شد و در قانون جزای جدید فرانسه مصوب سال ۱۹۹۴، اثری از آن مشاهده نمی‌شود. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، ۳۳۴).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مفاد این ماده در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ و قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۷۰ ذکر نشد. ولی در ماده ۶۳۰ «قانون تعزیرات» مصوب سال ۱۳۷۵ و همچنین بند «ث» و ماده‌ی ۳۰۲ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مجدداً آورده شده است.

قتل در فراش که ماده ۶۳۰ ق.م.ا به انحصار معافیت زوج در ارتکاب قتل در همان حالت (حالت زنا) اشاره نموده که این مورد را فقط مخصوص زوج دانسته ولی اگر زنی همسرش را در حال زنا با زن غریبه‌ای ببیند و علم به دخول داشته باشد و دست به ارتکاب قتل بزند. قانونگذار ما اشاره به آن نکرده و به احتمال زیاد زن را مستحق مجازات می‌داند. این ماده قانونی باید از طریق مراجع قانونگذاری اصلاح شود زیرا این عنوان را می‌توان نوعی خشونت علیه زنان به حساب آورد.

آنچه که در این پژوهش مورد نظر نگارندگان است، بازشناسی موضوع قتل در فراش با محوریت جواز قتل به شوهر در مورد زانی و زانیه است که قانونگذار آنان را از مصادیق مهدورالدم دانسته است که می‌تواند از مصادیق بارز خشونت خانگی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به همین منظور برای بازشناسی وضع این ماده در این پژوهش و ارتباط آن با ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، به شناخت مفاهیم کلمات وضع این ماده می‌پردازیم.

بررسی واژه زنا

زنا: «مقاربت با زن بدون عقد (به طور نامشروع) مصدر آن زنی و زناء مد و قصر هر دو آمده است. (اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۸۴؛ قرشی، ۱۴۱۲، ۱۸۲).

و در اصطلاح زنا، عبارت است از این که شخص بالغ و عاقلی آلت تناسلی خویش را در فرج (قبلاً یا دبراً) زنی به اندازه حشفه داخل کند؛ در حالی که آن زن برای او حرام بوده و بدون اینکه عقدی خوانده شده؛ همچنین وطی به شبهه نیز نبوده، و عالم به حرمت و مختار در انجام فعل باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۱۴).

بررسی واژه قتل

با مراجعه به کتب مختلف فقهی خواهید یافت که در واژه «قتل» تعریف جامعی صورت نگرفته است؛ ولی با این حال با مراجعه به کتب اصطلاحات فقهی، تعریفی که در آنجا ذکر شده بود، بیان می‌شود. قتل: اِزهاق نفس؛ یعنی از بین بردن جان فرد است. (شهید صدر، ۱۴۲۰ه، ج ۸، ۵۱۲)

بطور کلی قتل انسانی توسط انسان دیگر به یکی از سه صورت ذیل متصور است:

۱- قتل عمدی ۲- شیبیه عمد و شبه خطا ۳- قتل خطایی. (خراسانی، بی تا، ۴۲۷)

بررسی قتل در فراش

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد ماهیت قتلی است که توسط شوهر صورت گرفته است و اینکه به حق آیا مجازات زانی و زانیه قتل بوده است؟

قتل در فراش پیشینه تاریخی در قوانین جزایی ایران است. اولین ماده قانونی در این مورد، ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی بود به موجب این ماده، هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش (بستر) یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است، مشاهده می‌کرد و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو می‌شد از مجازات معاف می‌شود همچنین در این ماده، قتل دختر یا خواهر خود در صورت حصول شرایط فوق یک ماه تا شش ماه مجازات داشت پس از انقلاب اسلامی مفاد این ماده با تغییراتی در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات آمده است که می‌گوید: هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنها را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد، (مجبور شده باشد) فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. بنابراین ماده چند شرط موجب معافیت مرد از قتل است نخست آنکه زن به رضای خود زنا داده باشد بنابراین اگر زانی به عنف صورت گرفته باشد، در صورت قتل زن، با پرداخت نصف دیه به مرد، اولیای دم زن می‌توانند تقاضای قصاص او را بنمایند. دوم آنکه در همان حال آنها را به قتل برساند. بنابراین اگر پس از جدایی و فراغ از عمل زنا، آنها را به قتل برساند حتی اگر زنا به رضای هر دو باشد، این عمل او مجازات قصاص را در بر خواهد داشت. همچنین مفاد این ماده برخلاف ماده قانون مجازات عمومی (قبل از انقلاب) قابل تسری به دختر، خواهر یا مادر فرد، نیست. از این رو، اگر فردی یکی از نوامیس خود به غیر از همسر را در حال زنا با مرد اجنبی، مشاهده کند حتی اگر علم به تمکین آنها داشته باشد نمی‌تواند زانی و زانیه را به قتل برساند. البته در صورتی که تجاوز به عنف به آنها صورت گرفته باشد و یا در حال صورت گرفتن باشد مشمول مقررات خاص خواهد شد که معافیت از قصاص را رقم می‌زند. (کلاتری، ۱۳۹۴)،

۸- تحلیل ماده‌ی ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی جدید؛ مصداق بارز خشونت خانگی

ماده ۳۰۲ مقرر می‌دارد: در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود: در بند «ث» این ماده آمده است «زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است». (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ۲۹۷) از نکات اساسی که در بند «ث» ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی به چشم می‌خورد این است که مرد فقط زانیان را در حال زنا می‌تواند به قتل برساند و به تعبیر دیگر شوهر برای اینکه بتواند از معافیت مندرج در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی بهره‌مند گردد بایستی به محض مشاهده همسر زانیه و مرد اجنبی در حال زنا، آنان را به قتل برساند. بنابراین اگر مردی زن خویش را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند ولی بنا به دلایلی نخواهد آنان را در همان حال به قتل برساند، ولی بعداً به قتل زانیان اقدام نماید نمی‌تواند از معافیت در ماده‌ی ۳۰۲ قانون مزبور بهره‌مند گردد، زیرا عبارت قانونگذار «در همان حال آنان را به قتل برساند» به این معنی است که قتل در هنگام مشاهده واقعه زنا برای مرد مباح است نه بعد از آن. لازم به ذکر است که شوهری که مرد اجنبی و همسر زانیه را در حال زنا مشاهده می‌نماید و مرتکب قتل یکی یا هر دو از آنها می‌شود ملزم نیست که مقررات دفاع را رعایت نماید، زیرا که قانونگذار با اجتماع کلیه شرایط مندرج در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی قتل زانی و زانیه را برای شوهر تجویز کرده است. در مواردی که شوهر در موقعیت مزبور مرتکب قتل می‌شود ملزم به پرداخت دیه از بابت قتل ارتكابی نیز نمی‌باشد، زیرا خون زانیان فاقد حرمت شرعی و قانونی بوده است.

آنچه که مشهود است؛ این است که قانونگذار در سال ۱۳۹۲ علی‌رغم تمامی انتقادات صورت گرفته پیرامون ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات که از مصادیق بارز جواز قتل‌های ناموسی و خشونت خانگی به شمار می‌آید، مجدداً در ماده‌ی ۳۰۲ قانون جدید مجازات اسلامی به آن پرداخته است و همچنان راه را برای انتقامجویی‌های شخصی باز گذاشته است.

مجاز بودن ارتکاب قتل پیرامون ماده‌ی ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی جدید توسط شوهر مشروط به اجتماع شرایطی است که مرحله ثبوتی واقعه است. شرایط مذکور به شرح زیر است:

الف) وجود علقه زوجیت

مقنن حکم این ماده را ناظر به موردی دانسته است که شخص شاهد ارتکاب زنا توسط همسر خود باشد، بنابراین اگر مردی شاهد زنا یا دیگری ولو خواهر، دختر یا مادر خود با مرد اجنبی باشد، مجاز به ارتکاب قتل و حتی ضرب و جرح نیست و در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح، حسب مورد مجازات خواهد شد؛ در حالی که ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی سابق، در

مورد پدر و برادری که دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی در یک فراش مشاهده می‌کرد و مرتکب قتل آنها می‌شد معافیت نسبی از مجازات قاتل بود که در حال حاضر این معافیت منتفی است. احراز وجود رابطه زوجیت با توجه به مقررات مندرج در کتاب هفتم قانون مدنی صورت می‌گیرد که در آن مورد با توجه به اطلاق کلام، منظور از نکاح، نکاح دائم و منقطع است. اگر چه بعضی از حقوقدانان این حکم را فقط ناظر به عقد دائم می‌دانند. (حائری شاهباغ، ۱۳۵۳ ش، ۹۰) اما در اقوال و گفتار فقها تفاوتی بین دائم یا موقت بودن نکاح وجود ندارد. (نجفی، محمد حسن، بی تا، ۳۶۸) حتی به نظر بعضی از حقوقدانان، طلاق رجعی رابطه زوجیت را قطع نمی‌کند و لذا اگر شوهر در مدت عده طلاق رجعی وضعیت مذکور را مشاهده کند و مرتکب قتل شود از معافیت مذکور استفاده می‌کند. (نجیب حسنی، ۱۹۹۲، ۳۹۴-۳۹۵)

ب) مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر

تأکید ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی بر مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر، دادگاه را مکلف به بررسی این ادعا می‌کند؛ لذا دیدن فیلم و عکس از واقعه مورد بحث مجوز مشروعیت قتل نیست و رؤیت فیزیکی همسر ملاک است، نه دیگران. فقها نیز بر شرط اینکه مرد باید همسر خود را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند اتفاق نظر دارند. (خویی، بی تا، ج ۲، ۸۴ و ۸۸) لذا اگر انجام یافتن عمل زنا قطعی نباشد و بر اساس شبهه مرد باشد، ارتکاب قتل جایز نیست. اگر زن و مرد اجنبی دارای پوشش متعارف بوده، مشغول انجام اعمال دیگری غیر از زنا مانند مضاجعه و تقبیل (معاشقه) باشند به دلیل عدم تحقق شرط (در حال زنا بودن) قتل آنها مجاز نیست و قصاص می‌شود.

ج) ارتکاب قتل در حین مشاهده عمل زنا

به موجب ماده مذکور شوهر صرفاً بلافاصله بعد از مشاهده صحنه جرم ارتكابی، حق کشتن دارد و چنانچه فی‌المجلس اقدام نکند، بعد از جدا شدن زن و مرد اجنبی از هم چنین مجوزی برای او نیست. مفهوم این ماده دلالت بر این امر دارد که فقط زمانی مرد از قصاص معاف است که بلافاصله بعد از دیدن عمل زنا توسط همسر خود با مرد اجنبی، اقدام به قتل کند و چنانچه بعد از اتمام عمل و خارج از وقت و محلی که عمل مزبور در حال انجام است مرتکب قتل شود، چنین قتلی جنبه انتقام دارد و مقنن ارتکاب چنین قتلی را ممنوع می‌داند؛ اگر چه ممکن است که بتوان چنین موردی را از مصادیق مهدورالدم بودن زن و مرد اجنبی دانست که البته اثبات آن هم محتاج دلیل است و قاتل باید استحقاق قتل آن دو را بر اساس موازین شرعی و قانونی در دادگاه ثابت کند. (زکی ابوعامر، بی تا، ۱۵)

د) علم به تمکین

برای مجاز بودن مرد در قتل همسر خود علاوه بر شرایط بالا، او باید عالم به تمکین و

رضایت زن به عمل زنا توسط مرد اجنبی باشد. این شرط ناشی از آن است که در مباحث فقهی زنا، فقها وجود قصد و اراده را در مرد مفروض می‌دانند، لکن در مورد زن به احتمال وجود اکراه از طرف مرد نسبت به زن قائلند و لذا در این فرض نیز قائل به لزوم یقین شوهر به تمکین همسر خود برای مجاز بودن قتل او شده‌اند. احراز این شرط در عالم اثبات دشوار است و برای جلوگیری از معاف بودن قتل‌هایی که به صرف ظن و گمان واقع می‌شوند از مجازات بسیار مهم است. در صورت یقین شوهر به مکره بودن زن خود، شوهر فقط حق کشتن مرد بیگانه (زانی) را دارد. قانونگذار در جهت کاهش قتل‌های ناموسی باید تلاش کند مواد قانونی را به گونه‌ای وضع کند که راه بر افزایش قتل‌های ناموسی ببندد.

آرای فقهاء

با بررسی کتابهای فقهی امامیه روشن می‌شود که موضوع جواز قتل زن و مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا توسط شوهر، برای اولین بار در کتاب شیخ طوسی مطرح شده است. پس از شیخ طوسی، محقق حلی در کتاب نکت النهایه ضمن بحث درباره موضوع به طور قاطع و به صورت مطلق این‌گونه حکم را بیان کرده است. (منتظری، بی‌تا، ج ۱، ۱۳۴)

به هر حال می‌توان گفت علت وضع حکم ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی قول مشهور فقهاست که به تبع شیخ طوسی و محقق حلی بدین طریق فتوی داده‌اند. با نگاهی به مسأله ۲۸ کتاب دفاع از تحریرالوسیله امام خمینی (ره) و مقایسه آن با متن ماده ۳۰۲ قانون مذکور در می‌یابیم که عبارت قانون، ترجمه عبارت مذکور است که ایشان صریحا چنین قتلی را تجویز کرده‌اند؛ هر چند که معتقدند چنین اجازه‌ای بنا بر واقع و نفس الامر است؛ اما در ظاهر قاضی بر اساس موازین شرعی قضاوت می‌کند و چنانچه شوهر بینه‌ای در تأیید گفتارش اقامه نکند به قصاص محکوم می‌شود. (روح الله خمینی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۴۹۱ و ۴۹۲)

نقد بر جواز قتل زانی و زانیه توسط شوهر در حقوق موضوعه با محوریت مصداق خشونت خانگی

قانونگذار ایران علی‌رغم طرح موضوع در قانون مجازات عمومی قبل از انقلاب و فتوای صریح حضرت امام خمینی قدس سره مبنی بر جواز قتل زانی و زوجه از ناحیه زوج در صورت مشاهده در حال زنا (روح‌الله خمینی، ۱۴۰۳، ۸۳)، در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۲ ذکری از جواز قتل در فراش به میان نیاورد اما در عمل با توجه به فتوای حضرت امام و با رعایت اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قضات در این گونه قتل‌ها فتوای حضرت امام را ملاک عمل قرار می‌دادند و در استدلالی که از اداره حقوقی قوه قضاییه شده است ضمن اعلام منسوخ بودن ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق می‌گویند: طبق موازین شرعی و فتوای حضرت امام رحمه الله اگر کسی ببیند مرد اجنبی با زن وی زنا می‌کند و بتواند زنا را از راه اقامه چهار شاهد عادل یا

تصدیق اولیای دم و یا علم قاضی اثبات نماید، چنانچه مرتکب قتل یکی از آنها یا هر دو شود، قصاص نمی‌شود و مکلف به پرداخت دیه هم نیست. (کرمی، ۱۳۷۷، ۲۱۷).

با توجه به این رویه، قانون گذار در تصویب قانون تعزیرات، مجدداً جواز قتل در فراش را در ماده ۶۳۰ و پس از آن در بند «ث»، ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تصویب نموده است. عدم قصاص زوج در صورت کشتن زانی متجاوزی است که در فراش او وارد شده و اقامه دلیل برای جواز قتل به عنوان حکمی تکلیفی مشکل است. اولین کسی که این موضوع را مطرح کرده شیخ طوسی در کتاب مبسوط است و ایشان برای جواز قتل، احصان زانی اجنبی و زوجه را لازم دانسته و ذکر جواز قتل به صورت مطلق در کتب فقهی متأخر، نمی‌تواند مستند محکمی جهت بیان حکمی خلاف اصل و احتیاط باشد. از نظر حقوقی نیز عبارت ماده به گونه‌ای تنظیم شده که جرم زانی بوده و امنیت قضایی را سلب و نوعی آدم کشی در لوای قانون و بدون امکان دفاع برای متهمین را ترغیب و تشویق می‌کند. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، ۳۳۸) این ماده می‌تواند مورد سوء استفاده قاتلین حرفه‌ای قرار گیرد و قتل‌هایی که با انگیزه‌های انتقام جویانه انجام شده، تحت عنوان جواز قتل در فراش مطرح گردد. به طور مثال در مواردی شوهر با سبق تصمیم و با تهیه مقدمات، فردی را که مظنون به داشتن رابطه نامشروع با همسرش بوده به منزل دعوت و اقدام به قتل نموده و در موردی دیگری شخصی را در جای دیگر به قتل رسانده و بعد او را به اتاق خواب خودش منتقل نموده و همسرش را هم به اقرار به زنا مجبور نموده است و در این موارد در صورت عدم کشف واقعیت، چنانچه نتواند زنا را هم با چهار شاهد اثبات کند، می‌تواند با استناد ماده ۳۰۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با مطرح کردن اعتقاد به مهدورالدم بودن مقتول، از مجازات قصاص رهایی یابد. در حالی که قانون باید به گونه‌ای تنظیم شود که جرم‌زایی نداشته و امکان تقلب نسبت به آن وجود نداشته باشد.

آنچه در این مقاله شرح و تحلیل گردید، قتل در فراش؛ مهدورالدم دانستن زانی و زانیه، مصداق بارز خشونت خانگی است که قانونگذار علی‌رغم انتقادات فراوانی که پیرامون وضع ماده-۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات توسط حقوقدانان صورت گرفته است، مجدداً بند «ث» ماده‌ی ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را در همان ماهیت با اندک تغییرات جزئی آورده است و همچنان راه را برای انتقام‌ها و کینه‌های خصوصی عدالت کیفری خصوصی باز گذاشته است.

راهکارها و پیشنهادات

الف) تلاش در جهت کشف خلأهای قانون و الزام در جهت تدوین قوانین جدید و حمایت از زنان.

قانونگذار در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به فعل یا ترک فعلی که برای

آن مجازات تعیین شده باشد جرم می‌گوید اما از آنجا که همسرآزاری با این عنوان جرم شناخته نشده است، نمی‌تواند تحت عنوان مجرمانه مورد پیگرد قرار گیرد. جدای از آنچه که گفته شد قانونگذار نه تنها تلاشی در جهت نگارش موادی در جهت حمایت زانی که مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند ننموده است، بلکه موادی از قانون نیز به صراحت اجازه خشونت را به مردان بر علیه زنان داده است. ماده ۶۳۰ قانون مجازات بخش تعزیرات مصداق بارزی از این مورد است که با عنوان جواز قتل در فراس بین حقوقدانان مطرح است.

ب) تلاش در جهت حذف مواد قانونی که خود می‌توانند زمینه‌ساز و حتی از علل اصلی ایجاد خشونت خانگی علیه زنان بطور خاص قرار گیرند.

قانونگذار باید بپذیرد که برخی از مواد قانونی نظیر ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات از علل اصلی خشونت خانگی علیه زنان قلمداد می‌شوند. ماده‌ی قانونی که به صراحت به مردان اجازه‌ی قانونی خشونت‌گرایی علیه زنان را می‌دهد و علی‌رغم همه‌ی انتقادات صورت گرفته قانونگذار مجدداً با تأکیدی دوباره در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آن را مجدداً به عنوان یکی از مصادیق مهدورالدم مطرح نموده است که این امر قانونگذار انتقادات زیادی را با خود به همراه داشته است. در حقیقت نه تنها قانونگذار تلاشی در جهت حذف آثار مخرب ماده ۶۳۰ انجام نداده است، بلکه مجدداً آن را در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی جدید به عنوان یکی از مصادیق مهدورالدم مورد بحث قرار داده است. این تصمیم قانونگذار نشانگر آن است که او هیچ توجهی به بازتاب اجتماعی و آثار مخرب خانوادگی این ماده ننموده است.

ج) تلاش در جهت اثبات خشونت خانگی در دادگاه.

در حقیقت زمانی که زنی به دادگاه با عنوان خشونت خانگی مراجعه می‌کند نهاد قانونگذاری اگر قصد حمایت از زنان را نیز داشته باشد دستش بسته است. چرا که شهادت که به عنوان یکی از ادله‌ی اثبات به شمار می‌آید در اینجا اصولاً نمی‌تواند کاربرد داشته باشد. چرا که در خصوصی‌ترین مکان، دو شاهد عادل در جهت اثبات خشونت خانگی علیه زنان توسط شوهر بسیار سخت است.

د) تلاش در جهت راه‌اندازی کارگاه‌های رفع خشونت خانگی علیه زنان با محوریت آموزش مردان در جهت مهار خشم و آسیب‌شناسی شکاف در خانواده و تلاش در جهت رفع مشکل و اختلافات زناشویی تا بدین وسیله آمار خیانت‌ها و قتل‌های ناموسی ناشی از آن را بتوان کاهش داد.

ه) تلاش در جهت آگاهی‌دادن به مردم از طریق رسانه‌های عمومی که مردم با آنها ارتباط بیشتری دارند.

در جهت کاهش خشونت خانگی علیه زنان علی‌الخصوص از جانب شوهر که پیرامون

بحث پژوهش مورد نظر است رسانه‌ها می‌توانند بسیار موثر باشند. نشان دادن نمونه‌های مشابه مواردی که با پیرامون بحث موضوع مواد ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی جدید و آثار مخرب بعد از قتل زانیه توسط شوهر در خانواده و اتفاقاتی که برای فرزندان خانواده از نظر آسیب‌های اجتماعی بوجود خواهد آمد و کنترل خشم و کینه ورزی و عدم تصمیم‌گیری صحیح و قتل‌هایی که در اثر هیجانات آنی و عدم کنترل کینه و انتقام اتفاق می‌افتد یقیناً می‌تواند به جامعه در جهت کاهش این دسته از قتل‌ها کمک شایانی بنماید.

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله به نگارش درآمد، تلاشی اندک بود در جهت شناسایی قتل در فراش؛ مهدورالدم دانستن زانی و زانیه، مصداق بارز خشونت خانگی با نگرشی بر فقه و اخلاق، این پژوهش تمرکز خود را با نگاهی نو بر مصداق خشونت خانگی که از سوی شوهر بر همسرش واقع می‌شود با عنوان جواز قتل در فراش به شوهر، مصداق ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در مورد زانی و زانیه پرداخته است، که قانونگذار در ماده‌ی ۳۰۲ قانون جدید با همه‌ی انتقادات صورت گرفته مجدداً آن را با تاکید بیشتری آورده است. این پژوهش به سایر اشکال خشونت خانگی مانند کودک آزاری، خشونت نسبت به سالمندان، خشونت بین خواهر و برادر، خشونت زنان علیه مردان نمی‌پردازد. خشونت خانگی معلول زنجیره‌ای است از عوامل پیچیده که به یک عامل خاص منتهی نمی‌شود. بلکه مجموع آن عوامل در ایجاد آن سهیم‌اند که البته در این میان فقدان جرم‌انگاری، عدم دیدگاه صریح قانون و سکوت قانونگذار در برخی از موارد خود به گسترش آن کمک می‌نماید.

آنچه مسلم است نقش مردم و رهبران جوامع و قوانین در کنترل خشونت خانگی است. همه ما در هر جایگاهی که هستیم می‌توانیم مهارت‌هایی را پرورش دهیم که در پیشگیری و مداخله در خشونت به آن نیاز است. افزایش آگاهی، نخستین گام در این کوشش اجتماعی برای تغییر است. مردم و مسوولان و پلیس و وکلا و قضات و قانون‌گذاران هر چه بیشتر درباره خشونت خانگی بدانند بیشتر در کنترل آن موثر خواهند بود.

اما آنچه که بیش از همه حائز اهمیت است، این است که قانونگذار مواد قانونی را به گونه‌ای وضع نکند که خود از مصادیق جرم‌زایی و راهی در جهت گشایش انتقام‌جویی‌های شخصی باشد و بر مصادیق خشونت خانگی بیفزاید. اما متأسفانه قانونگذار، علی‌رغم همه‌ی انتقادات صورت گرفته جواز قتل در فراش به شوهر که در ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات آمده بوده، مجدداً در ماده‌ی ۳۰۲ ق.م.ا.ج جدید آورده است. این امر می‌تواند خود از مصادیق بارز خشونت خانگی و جواز ترویج آن در جامعه باشد که از نگاه قانونگذار دور مانده است. با توجه به

نگاهی بر کلام فقها آنچه که روشن است این است که آنان نیز در این زمینه اتفاق نظر ندارند. (جواز قتل شوهر) قانونگذار باید تمامی تلاش خود را در جهت حذف مواد قانونی که خود می‌تواند زمینه‌ساز جرم‌زایی باشد و بر میزان جواز عدالت دادگستری خصوصی و انتقام‌جویی‌های شخصی بیفزاید اقدام نماید.

موضوع این پژوهش که با عنوان قتل در فراش؛ مهدورالدم دانستن زانی و زانیه، مصداق بارز خشونت خانگی با نگرشی بر فقه و اخلاق بوده است، در تلاش است تا با همت و وحدت تمام نهادها و ارگان و اقشار جامعه به حل این معضل بپردازد. یعنی اینگونه نیست که قانون اصلاح شود، اما فرهنگ‌سازی صورت نگیرد، بلکه همه اقشار جامعه و ارگان‌های موجود بایستی در حیطه کاری خود در این امر سهیم شوند. به امید آن که مسئولان و سیاست‌گذاران کشور، روند رو به رشدی را برای حذف چرخه خشونت خانگی علیه زنان در پیش گیرند.



فهرست منابع

- ۱- اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، دار العلم، الدار الشامیه، بیروت.
- ۲- اعزازی، شهلا، (۱۳۸۰ش)، خشونت خانوادگی، زنان کتک خورده، تهران، نشر سالی.
- ۳- ایوانز، گیل، (۱۳۸۵ش)، مردانه بازی کن، زنانه پیروز باش، ترجمه ویدا اسلامی، تهران، نشر تندیس.
- ۴- پوت واین، دیوید؛ سامونز (۱۳۸۳ش)، آیدن، روان شناسی و جرم. ترجمه دکتر داوود نجفی توانا. تهران، نشر میزان.
- ۵- حائری شاهباغ، علی، (۱۳۵۳ش)، شرح قانون مجازات عمومی، فومن، مؤسسه مطبوعاتی آرش.
- ۶- حبیب زاده، دکتر محمد جعفر، (۱۳۸۰ش)، قتل در فراش، مجله حقوق دادگستری، شماره ۳۴.
- ۷- خراسانی، علی محمدی، (بی تا)، شرح تبصر المتعلمین (محمدی)، بی نا.
- ۸- خمینی (امام)، سید روح الله، (۱۴۰۳ق)، تحریر الوسیله، ج ۱ و ۲، چ ۴، قم، مکتبه اعتماد.
- ۹- خوبی، ابوالقاسم، (بی تا)، مبانی تکملة المنهاج، چاپ دوم، نجف، مطبعة الآداب، ج ۲.
- ۱۰- دانش، تاج زمان، (۱۳۸۲ش)، مجرم کیست؟ جرم شناسی کیست؟ تهران، نشر کیهان.
- ۱۱- روی، ماریا، (۱۳۷۷ش)، زنان کتک خورده، ترجمه و تلخیص مهدی قراچه داغی، تهران، نشر علمی.
- ۱۲- ریاحی، مینا، (۱۳۶۷ش)، الگوی اقتدار «سالارمندی» در میان خانواده‌های ایران، ترجمه شیوا دخت شیوایی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۳- زکی ابوعامر، محمد، (بی تا)، القانون الجنائی، قاهره، الدار الجامعیه.
- ۱۴- سلیمی اشکوری، هادی، (۱۳۷۹ش)، تازه‌های روان پزشکی، تهران، شرکت سهامی چهر.
- ۱۵- شهید ثانی، زین الدین، (بی تا)، الروضة البهیة، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۹.
- ۱۶- شهید صدر، سید محمد، (۱۴۲۰ق)، ماوراء الفقه، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت.
- ۱۷- صدري افشار، غلام حسین؛ حکمی، نسرين و نسترن، (۱۳۶۹ش)، فرهنگ زبان فارسی امروز، تهران، نشر کلمه.
- ۱۸- عمید، حسن، (۱۳۷۴ش)، فرهنگ عمید، جلد ۱، تهران، نشر امیر کبیر.
- ۱۹- قرشی، سید علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، ششم، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- ۲۰- کریمی، محمد باقر، (۱۳۷۷ش)، مجموعه استفتائات فقهی و نظرات حقوقی راجع به قتل، انتشارات فردوسی، تهران.
- ۲۱- کلانتری، کیومرث، (۱۳۹۴ش)، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، مقطع دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.

- ۲۲- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۲ش)، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۳- مرتوس، جولي، (۱۳۸۲ش)، اقدام محلي، تغيير جهاني، آموزش حقوق انساني زنان و دختران، ترجمه فربرز مجيدي، تهران، نشر دنيابي مادر.
- ۲۴- معظمي، شهلا، (۱۳۸۲ش)، فرار دختران، چرا؟ تهران، نشر گرايش.
- ۲۵- معین، محمد، (۱۳۷۱ش)، فرهنگ فارسي، جلد ۱، تهران، نشر امير کبير.
- ۲۶- منتظري، حسينعلی، (بی تا)، الحدود چاپ دوم، قم، انتشارات دارالفکر، ج ۱.
- ۲۷- مولاوردی، شهیندخت، (۱۳۸۵ش)، کالبدشکافي خشونت عليه زنان با ديپاچه‌اي از نسرین مصفا. تهران، نشر حقوقدانان دانش‌نگار.
- ۲۸- مهرپور، حسين، (۱۳۷۹ش)، مباحثي از حقوق زن، تهران، نشر اطلاعات.
- ۲۹- مير محمد صادقي، دکتر حسين، (۱۳۹۲ش)، حقوق کيفری اختصاصی (جرائم عليه اشخاص)، جلد اول، انتشارات میزان، تهران، چاپ سيزدهم.
- ۳۰- نجفي ابرندآبادي، حسين؛ هاشم‌بيگي، حميد، (۱۳۷۶ش)، دانشنامه جرم‌شناسي، تهران، دانشگاه شهيدبهشتي.
- ۳۱- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دارلأحياء التراث العربی، بيروت.
- ۳۲- نجيب حسنی، محمود، (۱۹۹۲م)، شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)، چاپ دوم، قاهره، دارالنهضة العربی.
- ۳۳- ولد جرج؛ برنارد توماس؛ جفري اسنيپس، (۱۳۷۸ش)، جرم شناسي نظري، ترجمه‌ي علي شجاعی، تهران، سمت.